

یک هشدار جدی درباره وضعیت معیشتی هنرمندان

حسین مسافر آستانه با انتقاد از تعطیلی دامه‌دار تئاتر و سینما گفت: این توقع از ستاند مقابله با کرونا و دولت وجود دارد که به زودی در این زمینه تصمیمی جدی بگیرند؛ چرا که ارتقای هنرمندان تئاتر در خطر جدی است. مدیر شورای سیاستگذاری تماشخانه ایران‌شهر ادامه داد: از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتظار می‌رود به عنوان نماینده جامعه هنری، هر چه زودتر راه حلی برای این وضعیت ببینند و با توجه به حضور وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در ستاند مقابله با کرونا، این توقع هست

که وضعیت هنرمندان در هر شاخه‌ای مورد توجه جدی قرار بگیرد. این مدیر هنری، تعطیلی مستمر تئاتر و سینما را لطمه‌ای یک جانبه به فعالان این حوزه‌ها دانست و ابراز تأسف کرد: در قبال این تعطیلی هیچ راه حلی برای جبران ضرر و زیان ناشی از بیکاری هنرمندان ارائه نمی‌شود. او با اشاره به شرایط اقتصادی دشواری که این روزها بر جامعه ما حاکم شده است، ادامه داد: در این وضعیت دشوار اقتصادی که گراتی همه کالاهای خارج از تصور است،



تحلیلی بر اظهارات مرجانه گلچین درباره حال و روز آثار تصویری که تولید می‌شوند

سودای خام بازیگر شدن!



تیم‌ها حضور ندارند، می‌شود، هم مخاطب آثار تولید شده در این مدیوم‌ها را خسته و دلزده می‌کند و هم خود تولیدات تصویری که در این مدیوم‌ها ساخته می‌شوند را در دراز مدت موجب خسران می‌نمایند، چرا که یکی از ویژگی‌های اصلی مخاطب این است که تنوع طلبی را دوست دارد. حال در نظر بگیرید که این مخاطب مدام در آثار تصویری مختلف یکسری بازیگر را می‌بیند که در همه جا حضور دارند و در نقش‌های مختلف مقابل دوربین می‌روند.

مسئلاً بعد از مدتی مخاطب از دیدن تصویر این بازیگران که عمدتاً با گرم‌ها یک بسیار ساده و معمولی در نقش‌های مختلف حاضر می‌شوند، خسته شده و با خود می‌گوید حتی اگر داستان این سریال جذابیت خاصی هم داشته باشد چون تصویر بازیگران را در همه جا دیده‌ام، نمی‌توانم با این سریال ارتباط برقرار کنم و اینگونه می‌شود که مخاطب آرام آرام از سریال‌هایی که ویژگی اصلی‌اش بازیگر چهره است زده شده و دیگر به تماشای اینگونه آثار نمی‌نشیند. خوب وقتی مخاطبی وجود نداشته باشد علناً اثر تولید شده به فروش نخواهد رفت. اما آنچه دغدغه مرجانه گلچین شده این است که در این میان وقتی سینما و نمایش خانگی و حتی تئاتر در دست عده محدودی قرار گرفته و آن‌اند که در همه جا حضور دارند و در همه جا قرارداد می‌بندند و در همه جا پول می‌گیرند و در همه جا بازی می‌کنند و با این کارشان شرایطی فراهم می‌آورند که یک عالمه بازیگر عملاً از کار بیکار شده و خانه نشین شوند، چه نیازی به ورود بازیگران جدید به عرصه سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی است. مسلم است وقتی بازیگر سریال تلویزیونی «آینه» این پرسش را مطرح می‌کند منظور این نیست که چرا عده کثیری از جوانان علاقه مندند وارد عرصه سینما و تلویزیون می‌شوند و مقابل دوربین به ایفای نقش بپردازند، چرا که اساساً نمی‌توان جلوی چنین اتفاقی را گرفت. بالاخره هر کسی به چه چیزی علاقه دارد و این جوانان حتی اگر تعدادشان بسیار زیاد باشند، نیز بازیگری را دوست دارند که خوب ابراز و اشکالی هم بر آنها نیست.

مرجانه گلچین با طرح این سوال که با این شرایط که نیازی به ورود بازیگران جدید به عرصه مدیون‌های تصویری نیست انگشت خود را به سمت آموزشگاه‌های بازیگری گرفته و آنها را مخاطب این سوال قرار می‌دهد که با اینکه می‌دانید شرایط سینما چگونه است چرا این همه جوان را به خیال خام بازیگر شدن به سمت کلاس‌های آموزشی خود رافرا می‌خوانید؟ پر واضح است که این سوال را می‌توان از متولیان امور دانشگاهی که هر ساله تعداد متنابهی از جوانان را به عنوان دانشجو در رشته بازیگری وارد دانشگاه می‌کنند هم پرسید. اینکه قرار است این دانشجویان چهار سال بعد از این دانشگاه‌ها فارغ التحصیلی شده و به سمت بازار کار که همان ورود به عرصه سینما و تلویزیون و شبکه نمایش خانگی است سوق پیدا کنند، اما اکثریت قریب به اتفاق آنها پس از آنکه دوره آموزشی شان در دانشگاه تمام می‌شود هنگامی که می‌خواهند از آنچه آموختن در عمل استفاده کنند می‌بینند، نمی‌توانند وارد سینما و تلویزیون و شبکه نمایش خانگی شوند، چرایش را بیشتر بیان کردیم، همان مسئله لابی گری و تقسیم نقش‌های مختلف در همه پروژه‌ها بین چند بازیگر خاص. گلچین می‌گوید اینکه مدعی شوم ما از وضعیت سینما و تلویزیون و شبکه نمایش خانگی و پارتی بازی‌هایی که در این رسانه‌ها وجود دارد خبر نداریم و چون بی‌خبریم و فکر می‌کنیم همه چیز رو به راه است و همه مسائل روال قانونی خود را طی می‌کند اقدام به تربیت شاگردان جدید در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های بازیگری می‌کنیم به این دلیل که آنها پس از پایان دوران آموزشی شان وارد بازار کار می‌شوند حرف درست و منطقی نیست، چرا که ما در این مملکت زندگی می‌کنیم و از مسائل مختلف آگاهی داریم، مخصوصاً مسأله‌ای که در حوزه کاریمان اتفاق می‌افتد، بنابراین با آطمینان اطمینانی می‌توان گفت که همه ما می‌دانیم که وضعیت چگونه است و با علم به این موضوع، باز هم در دانشگاه‌ها دانشجویی بازیگری می‌پذیریم و در آموزشگاه‌ها هنرجوی بازیگری، همه ما می‌دانیم که حتی در شرایط معمولی

حتی با کار کردن و درآمد داشتن نمی‌توان بخش از نیازها را تامین کرد چه برسد به اینکه کسی در این وضعیت بیکار هم باشد. به گزارش ایسنا، او افزود: صرف‌نظر از اینکه تعطیل فعالیت‌های فرهنگی چه آسیب‌های روانی برای جامعه در پی دارد، ارتزاق جامعه تئاتری وابسته به همین کار کردن است چراکه بخش بزرگی از این جامعه شغل دیگری ندارد و چون در قبال این تعطیلی‌ها هیچ حمایتی هم از آنان نمی‌شود، این قشر در معرض آسیب جدی است.

چرا با اینکه می‌دانیم حوزه کاری سینما و تلویزیون در شرایط فعلی به دلیل بیماری مزمنی که در داخلش وجود دارد نیازی به ورود بازیگران جدید ندارد، باز هم جوانان را تشویق کرده و راه را برایشان باز می‌کنیم که بیایند وارد این حرفه شوند تنها به این دلیل که آنها بابت آموزشی که به آنها می‌دهیم به ما پول می‌دهند. این درست نیست، چرا که پولی که این افراد به ما می‌دهند یا حاصل زحمت دستان پینه بسته پدرانشان است و یا حاصل تلاش و رنج خودشان و ما باید بدانیم که چنین پولی خوردن ندارد

اینکه مدعی شوم ما از وضعیت سینما و تلویزیون و شبکه نمایش خانگی و پارتی بازی‌هایی که در این رسانه‌ها وجود دارد خبر نداریم و چون بی‌خبریم و فکر می‌کنیم همه چیز رو به راه است و همه مسائل روال قانونی خود را طی می‌کند اقدام به تربیت شاگردان جدید در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های بازیگری می‌کنیم به این خیال که آنها پس از پایان دوران آموزشی شان وارد بازار کار می‌شوند حرف درست و منطقی نیست، چرا که ما در این مملکت زندگی می‌کنیم و از مسائل مختلف آگاهی داریم

و بدور از هر گونه پارتی بازی و باندبازی باز هم سینما و شبکه نمایش خانگی و تلویزیون و تئاتر و هزاران مدیوم دیگر تعداد تولیدات سالانه در عرصه رسانه‌های تصویری آنقدر زیاد نیست که همه این افراد در کنار تمام افرادی که قبلاً در این حوزه‌ها وجود داشتند بتوانند کار کنند. گلچین در سخنانش این گلایه را مطرح می‌کند که چرا با اینکه می‌دانیم حوزه کاری سینما و تلویزیون در شرایط فعلی به دلیل بیماری مزمنی که در داخلش وجود دارد نیازی به ورود بازیگران جدید ندارد، باز هم جوانان را تشویق کرده و راه را برایشان باز می‌کنیم که بیایند وارد این حرفه شوند تنها به این دلیل که آنها بابت آموزشی که به آنها می‌دهیم به ما پول می‌دهند. این درست نیست، چرا که پولی که این افراد به ما می‌دهند یا حاصل زحمت دستان پینه بسته پدرانشان است و یا حاصل تلاش و رنج خودشان و ما باید بدانیم که چنین پولی خوردن ندارد. گلچین می‌گوید من هیچگاه حاضر نیستم بابت کاری که انجام می‌دهم چنین درآمدی را کسب کنم به همین دلیل هیچگاه نپذیرفتم که در هیچ آموزشگاهی مدرس آموزش بازیگری شوم. بازیگر فیلم سینمایی «دیدار در استانبول» ضمن بیان چنین انتقادی تلنگری هم به مسئولان حوزه‌های مختلف فرهنگی زده و می‌گوید چرا به فکر بازیگرانی که در این شرایط به سختی و مشقت فراوان روزگار می‌گذرانند، نیستید؟ چرا باید شرایط طوری باشد که یک هنرمند پس از سالها زحمت و تلاش حال که موی سپید کرده و باید مورد احترام قرار بگیرد کنار گذاشته می‌شود و مجبور به اینگونه با فقر دست و پنجه نرم کند؟ چرا وقتی که هنر و فعالیت هنری چنین سرنوشت شومی را برای فعالان خود رقم می‌زند باز هم جوانان را به سمت بازیگری سوق می‌دهیم؟ فرض کنیم که آنها نمی‌دانند یا خودشان را به ندانستن زدن و یا به هزار و یک دلیل دیگر که یکی از آنها خام فکریشان است پایشان را در یک کفش کرده و اصرار و اصرار و اصرار می‌خواهیم بازیگر شوم، آیا واقعاً ما هم نمی‌دانیم چه شرایطی وجود دارد؟ نمی‌دانیم در آینده چه بر سر آنها خواهد آمد؟ سرنوشت آنها را امروز نمی‌بینیم؟

سرنوشتی که رخدادنش چه برای پیشکسوتان امروز و چه برای پیشکسوتان فردا به خاطر اشتباهاتی است که بخش اعظمی از آنها را خود ما مرتکب شده‌ایم و شوربخانه‌تر آنکه با اینکه می‌دانیم تاکنون اشتباه کرده‌ایم اصرار اکید داریم که بازمه به اشتباهاتمان ادامه دهیم و شرایط زندگی افراد دیگری را نیز با سختی‌ها و مشکلات مواجه کنیم. بازیگر سریال «پرگار» در بخش پایانی سخنانش به نکته مهم دیگری نیز اشاره می‌کند، اینکه تولیدات تصویری که حاصل تلاش همین تیم‌های باند باز و پارتی باز است، هم مناسفانه شرایط را بسپار وخیم‌تر کرده است، چرا که اکثریت این تولیدات (نه همه آنها) آثار متزلزل هستند که نه تنها هیچ حرفی برای گفتن ندارند، بلکه برخی مخاطبان از تماشای آنها احساس شرم هم می‌کنند و مناسفانه در چنین شرایطی باز هم عده‌ای به دنبال این هستند که جوانان را ترغیب کنند که به کلاسهای آموزشی آنها بروند، سر میز و نیمکت‌های آنها بنشینند و بازیگری یاد بگیرند به خیال اینکه روزی بازیگر خواهند شد، و حالیکه با این اوضاع و احوال و یا این تولیدات بعضاً سفید و مبتذل سینمایی ایران به جای اینکه نیازمند تزریق نیروی جوان باشد، احتیاج به تعویض خون ناسالمی دارد که در رگهایش جاری است.

اثر ۱۰ میلیون دلاری بنکسی پاک شد



را بنکسی خلق کرده و چه ارزش گرایی دارد، آن را شسته و پاک کردند. مسئولان شبکه حمل و نقل لندن تأیید می‌کنند که شرکت بین ساعت پنج و نیم تا شش و نیم صبح ۱۰ جولای امسال کشیده شده، اما ادعا می‌کنند کارکنان مترو، با بنکسی به هر کسی که آن گرافیتی را کشیده، هیچ تماسی نداشته‌اند. به گزارش فارس، اتحادیه کارکنان مترو نتیجه گرفته که وقتی بنکسی با رنگ کشیده بدون نشناسایی در داخل یک واگن مترو نقاشی بکشد و از آن بی‌خبر باشد، می‌دهد که مترو و ایستگاه‌های آن، جای امنی نیست.

نظافتچیان مترو لندن حین تمیزیکاری واگنها، ندانسته نقاشی گرانقیمت بنکسی را پاک کردند، این در حالی است که شرکت حمل و نقل لندن از ذکر جزئیات در مورد واگنی که اثر بنکسی در آن کشیده شده بود، خودداری کردند. بنکسی، هنرمند بریتانیایی که همچنان ناشناخته مانده، در ویدیویی که خود منتشر کرد، او را به تاریخ دهم جولای با لباس نظافت‌چی‌های مترو، در حال کشیدن یک گرافیتی در داخل یک واگن نشان می‌داد. این نقاشی حدود ۱۰ میلیون دلار ارزش گذاری شده بود، اما نظافتچیان مترو، بدون اطلاع از اینکه نقاشی

آفتاب بزد - گروه فرهنگی: «متأسفانه یک عده بازیگر وجود دارند که سینما، تئاتر و شبکه نمایش خانگی را در دست گرفته‌اند و به هیچ وجه هم از جایگاه خود کنار نمی‌روند، آنها به هیچ عنوان حاضر نیستند اندکی راه به بقیه بدهند و همه چیز سینما را برای خودشان می‌خواهند. عرصه بازیگری در کشور به خاله بازی تبدیل شده است، همه نقشی‌ها دست به دست می‌شود، من نمی‌دانم وقتی همه فیلم‌ها و آثار را چند بازیگر محدود بازی می‌کنند چرا این تعداد آموزشگاه بازیگری داریم، چرا این تعداد فارغ التحصیل هر روز به جامعه بازیگری اضافه می‌شوند در صورتی که کل بازیگری کشور به ۱۰ نفر محدود می‌شود. امروز هر فردی به خودش اجازه می‌دهد که بازیگری آموزش دهد، قسم می‌خورم که من هم بارها برای آموزش دعوت شده‌ام اما وجدانم قبول نمی‌کند که از جوانان پول بگیرم اما هیچ آینده‌ای را پیش رویشان نگذارم. چرا وقتی هیچ آینده‌ای در بازیگری نیست و پیشکسوتان ما با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند ما جوانان را به بازیگری سوق می‌دهیم. در شرایط فعلی سینما به شدت به سمت انبساط رفته است، من از دیدن بسیاری از فیلم‌ها شرم می‌کنم، قسم می‌خورم که بسیاری از این آثار از فیلم‌های ما هم سیف‌تر هستند. بالطبع این سینما با این تولیدات نه جای دفاع دارد و نه نیازی دارد که بازیگران جوان به آن تزریق شود.»

آنچه خواندید بخشی از اظهارات مرجانه گلچین بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون است که چندی پیش در گفتگویی در خصوص اوضاع و احوال تولیدات سینمایی و تلویزیونی و همچنین باندها و پارتی بازی‌هایی که در حوزه تهیه و تولید آثار تصویری وجود دارد بیان کرده بود. سخنانی که بیشتر البته شبیه آنها را از زبان بازیگران دیگر سینما و تلویزیون شنیده و خوانده بودیم؛ سخنانی که در نگاه کلی نشان می‌دهند متأسفانه هر چه زمان می‌گذرد انگار نه انگار که انتقادی به موضوعات مختلف در عرصه سینما و تلویزیون شده است و باید حداقل به اندازه سر سوزنی هم که شده به فرد یا افرادی از میان خود اهالی سینما و تلویزیون و همچنین شبکه نمایش خانگی و تئاتر و مسئولاتی که در رده‌های تصمیم‌گیری کلان مدیریتی قرار دارند بر بخورد بلکه اقدامی هرچند در حد حرف و به دور از عمل انجام دهند تا حداقل دل اشخاص و افرادی که از موضوعات و مشکلات مختلفی که در حوزه تولید آثار تصویری در مدیوم‌های تلویزیون و سینما، شبکه نمایش خانگی و همچنین تئاتر وجود دارد اندکی آرام یافته و ببینند که بالاخره ه گوش شنوایی پیدا شد که صدای ما را هم بشنود.

می‌خواهم بازیگر شوم

پیش از آنکه وارد موضوع این بخش از گزارش شوم و به تحلیل آن بپردازیم یکی از مهم‌ترین سخنان مرجانه گلچین را مورد بررسی قرار می‌دهیم: بازیگر سریال «سه دوگ سه دوگ» در آغاز اظهاراتش از معضل بسیار بزرگی پرده‌برداری می‌کند که هرچند که بسیاری از اهالی سینما از آن قبول ندارند و اگر قبول دارند معتقدند که اساس سینما باید چنین باشد تا اقتصاد سینما بتواند به گردش خود ادامه دهد. گلچین می‌گوید در سینما، تئاتر و شبکه نمایش خانگی عده محدودی بازیگر وجود دارند که همه کار این مدیوم‌ها هستند و به قول معروف کار را به دست گرفته‌اند و اجازه نمی‌دهند هیچکس دیگری از بیرون تیم خودش وارد پروژه‌های مختلف شود مسئله‌ای که این بازیگر کاربلد سینما و تلویزیون از آن به عنوان بانه بازی یاد می‌کند. همه ما می‌دانیم که برخی از بازیگران مانند همین مرجانه گلچین همیشه تلاششان این بوده که در آثار تصویری طوری هنرنمایی نمایند که بتوانند امیدوار باشند در پروژه‌های بعدی نیز که توسط همین تیم یا تیم‌های دیگر ساخته می‌شوند به کار دعوت شوند. به سخن دیگر بازیگرانی مانند گلچین همیشه نان هنر خودشان را خورده‌اند و هیچگاه نه از راه‌های سفارشی و نه از راه‌های دیگر خود را به هیچ پروژه‌ه تحمل نکرده‌اند، چرا که هنر این هنرمندان بوده که همیشه مسیر ارتزاق و کسب روزی حلال شان را برایشان هموار کرده است. اما همانطور که بارها شنیده و خوانده‌ایم برخی هنرمندان هستند که شاید حتی از نظر هنری در ردیف بازیگرانی مانند مرجانه گلچین باشند، اما متأسفانه مشخص نیست که چرا این قبیل افراد با اینکه می‌توانند همانند گلچین رفتار کنند و عضو هیچ تیم گروهی نباشند و به قول معروف لابی‌گری نکنند با این حال می‌بینیم که چنین نمی‌کنند و حضورشان در هر پروژه سینمایی را با قدم گذاشتن در مسیرهای نادرست طی می‌نمایند. همین مسئله ادعای مرجانه گلچین و البته بازیگران دیگر سینما و تلویزیون ایران که متأسفانه بسیاری از آنها مدت‌هاست در هیچ پروژه‌ای حضور ندارند را اثبات می‌کند. اما مسئله مهمی که وجود دارد و شاید از نظر همه فعالان حوزه هنرهای نمایشی و تولیدات آثار تصویری مغفول بماند این است که در این میان علاوه بر ضرر و زبانی که نصیب بسیاری از بازیگرانی که در این

ماجرای بازدید پولی مزار استاد شجریان



انتشار مطالبی درباره دریافت ورودی در ازای بازدید از مزار محمدرضا شجریان و پیگیری‌ها در این باره از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با این پاسخ همراه بود که پیکر استاد شجریان در آرامگاه فردوسی به خاک سپرده شده است و آرامگاه فردوسی هم یک بنای تاریخی محسوب می‌شود، لذا اداره آن تحت نظر وزارت گردشگری و میراث فرهنگی است؛ ضمن اینکه بازدید از این آرامگاه همانند هر بنای تاریخی دیگر با مسوژه ای، به پرداخت ورودی نیاز دارد.

ایسنا در ادامه با مسئولان سازمان میراث

رویدادهای هنری

جایزه برای

«گرگم و گلگه می‌برم»

آفتاب یزد: پویانمایی «گرگم و گلگه می‌برم» به کارگردانی امیرحوشنگ معین برنده جایزه بهترین فیلم از هشتمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن کان‌لندیران‌لار Canlandiranlar کشور ترکیه شد. این انیمیشن که از تولیدات سال ۱۳۹۶ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، تاکنون ۱۵ جایزه بین‌المللی را از آن خود کرده و بیش از ۳۰ حضور بین‌المللی نیز داشته است. این پویانمایی هشت دقیقه‌ای برگرفته از داستانی با همین نام نوشته افسانه شعبان‌نژاد از انتشارات کانون پرورش فکری است که با تکنیک انیمیشن دیجیتال در امور سینمایی کانون تولید شده است. جوایز رسمی جشنواره انیمیشن ترکیه به بهترین فیلم، بهترین فیلم دانشجویی، بهترین فیلم اولی، بهترین فیلم ترکیه و جایزه ویژه هیئت داوران اهدا شد. هشتمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن کان‌لندیران‌لار از ۲۵ تا ۲۷ مهر سال ۱۳۹۹ (۱۶ تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰) در شهر استانبول ترکیه به صورت آنلاین برگزار شد.



«بوق ممتد» تقدیر شد

جشنواره Cine Invisible که بیشتر فیلم‌هایی با موضوع‌های اجتماعی، حقوق بشر و برابری فرهنگی نمایش می‌دهد، از فیلم کوتاه «بوق ممتد» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی قصیده گلمکانی تقدیر کرد. در این دوره از جشنواره، ۲۵ فیلم در بخش «برابری جنسیتی» پذیرفته شدند و مجموعاً سه فیلم از ایران در این بخش از جشنواره حضور داشتند و در نهایت «بوق ممتد» تنها فیلم ایرانی‌ای است که از آن تقدیر شد. به گزارش خبرآنلاین، فیلم «بوق ممتد» را بازی شیوا ابراهیمی درباره رتی امروزی و باهوش است که برای امری ساده چون یافتن جای پارک ماشینی‌اش در تهران، نیستید؟ چرا باید شرایط طوری باشد که یک هنرمند پس از سالها زحمت و تلاش حال که موی سپید کرده و باید مورد احترام قرار بگیرد کنار گذاشته می‌شود و مجبور به اینگونه با فقر دست و پنجه نرم کند؟ چرا وقتی که هنر و فعالیت هنری چنین سرنوشت شومی را برای فعالان خود رقم می‌زند باز هم جوانان را به سمت بازیگری سوق می‌دهیم؟ فرض کنیم که آنها نمی‌دانند یا خودشان را به ندانستن زدن و یا به هزار و یک دلیل دیگر که یکی از آنها خام فکریشان است پایشان را در یک کفش کرده و اصرار و اصرار و اصرار می‌خواهیم بازیگر شوم، آیا واقعاً ما هم نمی‌دانیم چه شرایطی وجود دارد؟ نمی‌دانیم در آینده چه بر سر آنها خواهد آمد؟ سرنوشت آنها را امروز نمی‌بینیم؟



«زغال» در بارسلونا

جشنواره فیلم‌های آسیایی بارسلونا امسال با نمایش ۱۰۰ فیلم از بیش از ۲۵ کشور واقع در منطقه آسیایاقیوقوسیه‌ز جمله ایران افغانستان، ازبکستان، هنگ کنگ، مدیوم، میانمار، سری‌لانکا، ویتنام، استرالیا و نیوزلند، از ۲۸ اکتبر تا ۸ نوامبر (۷ تا ۱۸ آبان ۹۹) برگزار می‌شود. این دوره «زغال» به همراه ۱۷ فیلم دیگر ایرانی در بخش‌های مختلف این جشنواره به نمایش در می‌آید. به گزارش برنا، «زغال» اولین تجربه بلند داستانی اسماعیل منصف، محصول مشترک ایران و فرانسه است. داستان این فیلم که در بخش‌های هنرتجربه ایران شد، در یکی از روستاهای مرزی آذربایجان می‌گذرد و زبان فیلم نیز ترکی است و بازیگران ترک زبان در آن ایفای نقش کرده‌اند. «زغال» ساخته اسماعیل منصف، «زندگی میان پرچم‌ها» ساخته جنگی، «محسن اسلام‌زاده، «هارموز» کمال تبریزی، سونامی میلاد صدرعاملی از نمایندگان سینمای ایران در بخش جایزه نتپک (NETPAC) جشنواره فیلم‌های آسیایی بارسلونا هستند. «هفت و نیم» ساخته نوید محمودی هم در این بخش نمایش دارد.

پایان ضبط «Voice»

تصویبررداری فیلم کوتاه «Voice» به نویسندگی و کارگردانی علی عبدالهی و تهیه‌کنندگی حامد قریب به پایان رسیده و برای طی کردن مراحل پس تولید خود روی می‌کنند که این نقاشی بین ساعت پنج و نیم تا شش و نیم صبح ۱۰ جولای امسال کشیده شده، اما ادعا می‌کنند کارکنان مترو، با بنکسی به هر کسی که آن گرافیتی را کشیده، هیچ تماسی نداشته‌اند. به گزارش فارس، اتحادیه کارکنان مترو نتیجه گرفته که وقتی بنکسی با رنگ کشیده بدون نشناسایی در داخل یک واگن مترو نقاشی بکشد و از آن بی‌خبر باشد، می‌دهد که مترو و ایستگاه‌های آن، جای امنی نیست.

آگاہ شدن پشنگ

از مرگ منوچهر

پس آنکه ز مرگ منوچهر شاه بشد آگهی تا به‌توران سپاه ز نارفتن کار نوزده همنان یکایک بگفتند با بدگمان چو بشنید سالار ترکان پشنگ چنان خواست کاید بایران بجنگ یکی یاد کرد از نیا زادش هم از تور بر زد یکی تیز دم ز کار منوچهر و از لشکرش ز گردان و سالار و از کشورش همه نامداران کشورش را بخواند و بزرگان لشکرش را چو ارجسپ و گرسوز و بارمان چو کلساد جنگی هزبر دمان سپهبدش چون ویسه تیز چنگ که سالار بُد بر سپاه پشنگ جهان پهلوان پورش افراسیاب بخواندش درنگی و آمد شتاب سخن راند از تور و از سلم گفت که کین زیر دامن نشاید نرفت کسی را کجا مغز جوشیده نیست برو بر چنین کار پوشیده نیست که با ما چه کردند ایرانیان بدی را ببستند یک یک میان کتون روز تندی و کین جسنست رخ از خون دیده‌گه شستست ز گفت پسر مغز افراسیاب بر آمد ز آرام و ز خورد و خواب بییش پسر شد ششده زبان دل آگنده از کین کمر بر میان که شایسته جنگ شیران منم هم آورد سالار ایران منم زادشم تیغ برداشتی جهان را بگراشاسب نگذاشتی میان را بیستی بکین آوری بایران نکردی مگر سروری ز کین جستن و چاره و کیمیا گشادش بر تیغ تیز منست که شورش و رستخیز منست بهمغز پشنگ اندر آمد شتاب چو دید آن سهی قد افراسیاب برو بازوی و هم زور پیل و زو سایه گسترده بر چند میل زاناش به‌کردار برنده تیغ چو شد ساخته کار جنگ آزما می‌به‌کاخ آمد اغریتر رهنمای بییش پدر شد بر اندیشه دل که اندیشه دارد پر پیسه دل چنین گفت کای کار دیده پدر ز ترکان بمردی بر آورده سر منوچهر از ایران اگر کم شدت سپهدار چون سام نیرم شدست چو گراشاسب و چون قارن رزم زن جز این نامداران آن انجمن تو دانی که با سلم و تور سترگ چه آمد از ان تیغ زن پیر گرگ نیا زادشم شاه توران سپاه که ترکش همی سود بر چرخ و ماه ازین در سخن هیچ گونه نراند بسآرام بر نامه کین نخواند اگر ما نشوریم بهتر بود کزین جنبش آشوب کشور بود پسر را چنین داد پاسخ پشنگ یکی نرزه شیرست روز شکار یکی پیل جنگی گه کارزار ترا نیز با او بیاید شدن بهر بیش و کم رای فرخ زدن نیرم که کین نیا را نتخت سزد گر نخوانی نژادش درست چو از دامن ابر چین کم شود بیابان ز بزارن پسر از نم شود چراگاه اسپان شود کوه و دشت گیاه‌ها ز بیال بیلان بر گذشت جهان سربسر سبز گردد ز خود بهامون سراپرده باید کشید سپه را همه سوی امل براند دلی شاد بر سر سبزه و گل براند دهستان و گرگان همه زیر نعل یکس که شربت شد و خورج بکویید و ز خون کتید آب لعل منوچهر از آن جایگه جنگجوی بکینسه سوی تور بنهاد روی بکوشید با قارن رزم زن دگر گرد گراشاسب زان اتجمن مگر دست پایید بر دشت کین برین دو سرفرازان ایران زمین روان نیابانگ ما خوش کنیست دل بدسگالان پر آتش کنیید چنین گفت با نامور نامجوی که من خون بکین اندر آرم بجوی